

جایگاه کتیبه‌های دوره هخامنشیان در پژوهش‌های تاریخی

معصومه احمدی برائوسان

فوق لیسانس فرهنگ و زبان‌های باستانی، شهرستان عنبرآباد

مقدمه

در میان زبان‌های ایرانی دوره باستان، زبان کتیبه‌های هخامنشی، یا زبان فارسی باستان، از ارزش‌های ویژه‌ای برخوردار است. نخست اینکه نیای زبان امروز ماست، به عبارت دیگر، فارسی نو، با یک میانجی یعنی فارسی میانه ساسانی یا پهلوی، با فارسی باستان پیوند می‌خورد. دیگر اینکه این زبان دست‌کم نوع رسمی آن در زمان حیات به کتابت درآمده و از این روی از نظر زبانی دارای اهمیت خاصی است. ارزش دیگر این زبان و آثار بازممانده از آن در مجموعه‌ای از کتیبه‌های شاهان هخامنشی محدود و به مطالب و داده‌های تاریخی مربوط می‌شود. این ارزش تا حدی است که باید گفت اگر این کتیبه‌ها، به ویژه کتیبه‌های داریوش، رمزگشایی و خوانده نمی‌شد، بی‌تردید، پژوهش‌های تاریخی ما در مورد تاریخ هخامنشیان تنها به روایت یونانی محدود می‌شد (کنت، ۱۳۸۴: ۲۳).

کهن‌ترین و مهم‌ترین اثر فارسی باستان، سنگ‌نبشته تاریخی بسیار معروف داریوش بر بالای کوه بیستون است که بر سر راه کرمانشاه به همدان و در کنار شاهراه تاریخی شوش - خراسان قرار دارد. این کتیبه به سه زبان فارسی باستان، عیلامی و اکدی حک شده است. روایت فارسی باستان در پنج ستون، مشتمل بر چهارصد و چهارده سطر نوشته شده است. در این کتیبه داریوش نام و نسب خود و اسامی ایالات و کشورهای تابع شاهنشاهی خویش را یاد کرده و چگونگی به سلطنت رسیدن و غلبه خود بر بردای غاصب و دیگر شورشیان را شرح داده است (مولایی، ۱۳۸۴: ۲). آنچه در کتیبه‌ها ذکر شده است، مطالب مربوط به سیاست و حکومت است (تفضلی، ۱۳۸۷: ۳۱). شاهنشاهی پارسیان متشکل از شمار وسیعی از مردمان گوناگون با فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف بود. هر ساتراپی به زبان یا زبان‌های رایج محلی خود صحبت می‌کرد و نوشته‌های اداری به خط خودشان نوشته می‌شد. آن‌طور که در مورد اسناد بابلی مشاهده می‌شود، پارسیان یک زبان غالب واحد را به ساتراپی‌ها تحمیل نکردند، بلکه امور اداری آن‌ها اساسی چندزبانی داشت. لوح‌های گلی به زبان آرامی در بایگانی تخت جمشید نشان می‌دهد که استفاده از زبان و خط‌های مختلف برای حکومت مرکزی مشکلی به وجود نمی‌آورده است (بروسیوس، ۱۳۸۶: ۱۶۴). شاهان هخامنشی از نوشتن کتیبه‌ها چه هدفی داشته‌اند؟ کتیبه‌های فارسی باستان از چه لحاظ دارای ارزش و اهمیت محسوب می‌شوند؟

در ادامه متون باستانی را از چند بعد بررسی می‌کنیم. اول، از بعد شناخت زبان‌های ایرانی که شاخه‌ای از زبان‌های هند و اروپایی است از آنجا که زبان هر قوم یکی از ارکان هویت آن قوم است، ضرورت بهره‌گیری از این آثار به منظور شناخت زبان‌های ما و همچنین جهت پی بردن به سیاست این پادشاهان نسبت به پیروان ادیان مذاهب دیگر اهمیت و ارزش خاصی دارد. بهره‌گیری از کتیبه‌ها و متون تاریخی عبارت از شناسایی و درک صحیح تاریخ و فرهنگ این سرزمین است، همچنین شناسایی عمیق میراث علمی و فرهنگی دوره ایران باستان نیازمند شناخت آثار علمی و فرهنگی این سرزمین کهن است. این مقاله بر پایه کتیبه‌ها و متون تاریخی دوره هخامنشیان و با روش تحقیقات مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: کتیبه، شاهان هخامنشی، فارسی باستان، کوروش، داریوش

زبان فارسی باستان

«زبان» و «فرهنگ» دو پدیده‌ای هستند که برای فهم هر یک باید از دیگری مدد جست. آشنایی با فرهنگ هر ملت، به فهم زبان آن ملت نیاز دارد، زیرا صورتی از مآثر فرهنگی در قالب متون مکتوب، به دور از تطاول ایام به دست ما رسیده است (جی ماسب، ۱۳۹۱: ۱۱). زبان‌های ایرانی در جهان باستان محدوده جغرافیایی گسترده‌ای را در برمی‌گرفت. از قفقاز در شمال غربی (زبان آسی) تا خلیج فارس در جنوب شرقی (از زبان بلوچی) یا دقیق‌تر، در جنوب تا شبه جزیره مسندم در عمان (زبان کومزاری) از شمال فرات در غرب (زبان کردی، زازا) تا هندوکش و پامیر در شرق (زبان شریکونی). حتی پیش از کوچ اقوام ترک به سرزمین‌های غربی، زبان‌های ایرانی گستره بسیار وسیع‌تری را در برمی‌گرفتند. یعنی از غرب به کرانه‌های شمالی و غربی دریای سیاه (زبان سکایی)، تا شمال مغولستان و مرزهای چین (زبان سغدی) (گویری، ۱۳۸۸: ۲۶).

از میان زبان‌های متعدد ایرانی در دوره باستان که همگی از زبان ایرانی کهن منشعب شده بودند، تنها آثار و مدارکی از چهار زبان: مادی، سکایی، اوستایی و فارسی باستان باز مانده است. البته از دو زبان نخستین اثر مستقلی در دست نیست (باقری، ۱۳۹۱: ۴۳).

زبان اوستایی، یکی از زبان‌های شرقی فلات ایران است. تنها اثر باقی‌مانده از این زبان، کتاب مقدس زردشتیان است. از این‌رو، هم زبان، و هم خطی که «اوستا» بدان نگارش یافته «اوستایی» خوانده می‌شود (همان، ۱۳۹۱: ۵۵). فارسی باستان که نیای فارسی امروز به شمار می‌رود، زبانی است که در دوره هخامنشیان (۵۵۹ تا ۳۳۰ ق. م) در پارس بدان تکلم می‌شده و تنها آثار مکتوب آن، کتیبه‌های شاهان هخامنشی است که به خط میخی نوشته است (تفضلی، ۱۳۸۷: ۲۲). علاوه بر روایت اصلی به زبان فارسی باستان، ترجمه‌هایی هم به دو زبان اکدی و عیلامی به همراه دارند (مولایی، ۱۳۸۴: ۲).

فارسی باستان از طریق خواندن کتیبه‌های به دست آمده در استان فارس، یعنی تخت جمشید و نقش رستم و پاسارگاد، همچنین در ناحیه ایلام، در شوش خوزستان؛ در ناحیه ماد، یعنی همدان، و نیز در فاصله نه چندان دور از همدان، در بیستون و الوند و بالاخره در نواحی ارمنستان، در وان ترکیه

و نیز امتداد مسیر کانال سوئز شناخته شده است (کنت، ۱۳۸۴: ۵۸). کتیبه‌ها اسناد تاریخی و زبانی بسیار باارزشی هستند که طی دو هزار و پانصد سال اطلاعاتی را در خود حفظ کرده‌اند. این متون از دخل و تصرفات کاتبان و اضافات و تصحیحات دوره‌های بعد مصون مانده‌اند و این نکته مهمی است (ارانسکی، ۱۳۷۸: ۴۹).

پادشاهان صاحب کتیبه

۱. از **آریارمنه** (حدود ۵۹۰ - ۶۴۵ ق. م) و **ارشام** (حدود ۵۵۹ - ۵۹۰ ق. م) و **کوروش** (۵۳۰ - ۵۵۹ ق. م)، کتیبه‌هایی به جای مانده است که به نظر می‌رسد سال‌ها پس از فرمانروایی این پادشاهان به دستور جانشینان، به نام آن‌ها نوشته شده‌اند (مولایی، ۱۳۸۴: ۲).

۲. **کتیبه‌های داریوش** (۵۲۲ تا ۴۸۶ ق. م): از داریوش کتیبه‌هایی در بیستون، فارس (تخت جمشید و نقش رستم)، شوش، سوئز، الوند و همدان بر جای مانده است (تفضلی، ۱۳۸۹: ۲۵). سنگ نبشته سه زبانه داریوش که بر سینه صخره‌ای در بیستون (بغستان باستانی به معنای جایگاه ایزدان) کنده شده است دارای یک متن اصلی، با حدود ۳۶۰۰ کلمه به زبان فارسی باستان است (گرشویچ، ۱۳۸۷: ۲۱).

۳. **کتیبه‌های خشایارشا** (۴۸۶ تا ۴۶۵ ق. م): از خشایارشا کتیبه‌هایی در تخت جمشید، سنگ‌نوشته‌هایی در الوند همدان، کتیبه‌های شوش و سنگ‌نوشته وان و همچنین کتیبه‌های کوچک مهرها و ظروف بر جای مانده است (لوکوک، ۱۳۸۲: ۳۱۸-۳۰۱).

۴. **کتیبه‌های اردشیر اول**: از اردشیر اول کتیبه‌ای در تخت جمشید باقی است که بیانگر اتمام کاخی است که خشایارشا شروع کرده بوده و این شاه به اتمام رسانیده است. از دیگر شاهان هخامنشی مانند داریوش دوم تا اردشیر دوم در شوش و همدان، اردشیر دوم یا سوم در تخت جمشید کتیبه‌های کوچکی به دست آمده که تقلیدی از کتیبه‌های شاهان قبلی است و مضمون این کتیبه‌ها اغلب ستایش اهورامزدا، معرفی شاه و ذکر بنای کاخی یا اتمام بنای ناتمام آن است.

گشایش بابل با نشانه «B» مشخص شده است. این لوحه را در سال ۱۸۷۹ میلادی هرمز رسام در شهر بابل یافت. پژوهش‌های انجام شده نشان داد که این لوح با لوح استوانه‌ای دیگری که تا آن زمان متعلق به نبونید، پادشاه بابل، تصور می‌شد و در موزه دانشگاه بیل قرار داشت یکسان است و هر دوی آن‌ها متعلق به یک متن هستند که همان فرمان کوروش بزرگ می‌باشد (فرشادمهر، ۱۳۸۵: ۳۹۲). کوروش در منشور خود که به شکل استوانه‌ای از خاک رس «بشکه کوچک» است، در بند ۷ منشور، خود را چنین معرفی می‌کند: «من کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه انشان، تبار جاودانه پادشاهی، آنکه بل و نابو شهریارایش را گرامی داشتند، آنکه آن‌ها برای شادی دل خویش شهریاریش را آرزو می‌کردند». در اینجا با بخشی مهم روبه‌رو هستیم که القاب کوروش و تبارشناسی او را ارائه می‌کند. «خاندان جاودانه پادشاهی». این عبارت که تقریباً واژه به واژه در بخشی بحث‌برانگیز از سنگ‌نبشته بیستون (DB بند ۴) مجدداً آمده است، حکایت از آن دارد که کوروش به خاندانی تعلق دارد که همواره سلطنت را در دست داشتند (لوکوک، ۱۳۸۲: ۲۱۲). وسعت ایران در اواخر سلطنت کوروش حدود ذیل را نشان می‌دهد: از طرف مغرب به غاز (بغاز) استامبول و داردانل (هلس پونت یونانی‌ها) و بحر الجزایر و بحرالْمغرب، از طرف مشرق به رود سند، از طرف شمالی به جبال قفقاز و بحر خزر و رود سیحون، و از طرف جنوب به شبه جزیره عربستان و دریای عمان و خلیج فارس (پیرنیا، ۱۳۶۲: ۹۵ و ۹۶).

مهم‌ترین اثر فارسی باستان، سنگ‌نوشته تاریخی بسیار معروف داریوش بر کوه بیستون است که بر سر راه کرمانشاه به همدان و در کنار شاهراه تاریخی شوش - خراسان قرار دارد (مولایی، ۱۳۸۴: ۲). داریوش در کتیبه بیستون شرح وقایعی را ثبت کرده که منجر به جلوس او بر تخت پادشاهی ایران شد. حادثه مهم قبل از جلوس او شورش گوتماته و کشته شدن وی به دست داریوش و شش تن از اشراف‌زادگان است. به سلطنت رسیدن داریوش آتش‌سوزی را در چند نقطه سرزمین شاهنشاهی روشن کرد که داریوش و سپاه وفادار به او شورش‌ها را در نوزده نبرد سرکوب کردند (بروسیوس، ۱۳۸۶: ۹۸). این کتیبه که به تنهایی، چندین برابر بقیه نوشته‌ها و کتیبه‌های دیگر فارسی باستان لغات و مواد زبانی



گنجانم همدان

کتیبه‌ها اسناد تاریخی و زبانی بسیار با ارزشی هستند که طی دو هزار و پانصد سال اطلاعاتی در خود حفظ کرده‌اند

علاوه بر کتیبه‌ها و لوح‌ها، بر روی سنگ وزنه و روی سکه‌ها و گل‌های پخته و بعضی ظروف نیز نوشته‌هایی به فارسی باستان بر جای مانده است (تفضلی، ۱۳۸۹: ۲۸).

آگاهی‌های تاریخی و جغرافیایی کتیبه‌ها

هنر دوره هخامنشی ما را با نخستین شاهنشاهی جهان که یکی از منظم‌ترین دولت‌ها بوده است، روبه‌رو می‌کند. این شاهنشاهی از آسیای مرکزی و رود سند تا نیل و دریای اژه، بسط داشت. یکی از بزرگ‌ترین مراحل پیشرفت تمدن، در این دوران طی شد (سامی، ۱۳۸۹: ۲۷ و ۲۸).

منشور نبونید (پادشاهی بابل) کهن‌ترین منبعی است که در آن از کوروش نام برده شده است و به نبرد او با آستیاگ، آخرین پادشاه ماد، اشاره رفته است. نبونید در حالی از غلبه کوروش بر مادها خشنود است که از مغلوب شدن آتی خود در برابر او بی‌خبر است (مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۹۱: ۴۵۹). و اما کتیبه مشهور بازمانده از کوروش، فرمانی است مبنی بر آزادی یهودیان در بند که هنگام

در بردارد، علاوه بر ارج و ارزشی که در بررسی تاریخ زبان فارسی داراست، از جهت اشتغال بر حقایق تاریخی نیز دارای اهمیت بی‌نظیری است، زیرا وقایع و رویدادهای دوره‌های باستانی را در همان زمان و به دست پدیدآوردگان تاریخ آن عصر، در دل سنگ بازگو می‌کند. برگردان این کتیبه فارسی باستان به دو خط و زبان ایلامی و بابلی در جوار صورت فارسی باستان آن حک شده است، کتیبه بیستون همراه با حجاری‌هایی است که داریوش و عصیانگران زمانش را که به اسارت وی درآمده‌اند نشان می‌دهد (باقری، ۱۳۹۱: ۴۶).

داریوش خوشبختانه دستور داده بود که نیشه‌هایش را به سه زبان حجاری کنند: به عیلامی، اکدی (بابلی) و فارسی باستان. خط میخی فارسی باستانی بنا بر فرمان پادشاه برای همین منظور ساخته شد. از آنجا که این خط از کلیه خطوط میخی دیگر ساده‌تر است و تنها ۴۲ علامت دارد، قبل از سایر خط‌های میخی کشف و خوانده شد. بدین ترتیب خط میخی فارسی باستان، کلید کشف خط میخی اکدی (بابلی) که دارای پانصد علامت است و خط میخی عیلامی که از آن برخاسته و در زمان داریوش ۱۳۱ علامت داشته است، شد (هینتس، ۱۳۸۰: ۱۸ و ۱۹). داریوش می‌گوید: این سرزمین‌هایی که متعلق به من هستند، به خواست اهورامزدا من شاه آن‌ها بودم: پارس، ایلام، بابل، آشور، عربستان، مصر (مردم) کنار دریا، لیدیا، ایونیه، ماد، ارمنستان، کاپودوکیه، پارت، درنگیانا (زرنگ)، هرات، خوارزم، بلخ، سغد، گنداره، سکا، تَنگوش، آراخوزیا (رخج) و مَک (مکران)، مجموعه ۲۳ کشور (راشد محصل، ۱۳۹۰: ۵۵ و ۵۶).

داریوش می‌گوید این مردمان که از من پیروی می‌کنند به خواست اهورامزدا، بندگان من بوده‌اند، آن‌ها به من خراج می‌دادند، آنچه از طرف من به آن‌ها گفته می‌شد، خواه شب بود یا روز، آن‌ها را انجام می‌دادند (لوکوک، ۱۳۸۲: ۲۱۸).

داریوش در مقدمه قدیم‌ترین کتیبه خود، یعنی بیستون، نخست به معرفی خود می‌پردازد. در بعضی کتیبه‌های دیگر نظیر همین مقدمه دیده می‌شود، اما در برخی دیگر مانند دو کتیبه نقش رستم (DNa و DNb) مقدمه با ستایش اهورامزدا آغاز می‌گردد. خاتمه کتیبه‌ها غالباً در ستایش اهورامزدا و به همراه این درخواست است که داریوش را حمایت کند و آنچه او کرده و ساخته

است، بیاید.

در چهار کتیبه (بیستون DB، تخت جمشید DPe، شوش DSe، و نقش رستم DNa) متن اصلی با برشماری کشورهای شاهنشاهی که فرمان‌بردار داریوش بوده‌اند، آغاز می‌شود. در کتیبه

گنجانمه همدان



**مهم‌ترین اثر
فارسی باستان،
سنگ‌نوشته
تاریخی بسیار
معروف داریوش
بر کوه بیستون
است که بر سر
راه کرمانشاه به
همدان و در کنار
شاهراه تاریخی
شوش - خراسان
قرار دارد**

بیستون پس از شمارش کشورها، داریوش به ذکر وقایعی که در آغاز دوره سلطنت وی اتفاق افتاده است، می‌پردازد و از بردیای غاصب و شورش‌هایی که در نواحی گوناگون اتفاق افتاده و عاملین آن‌ها یاد می‌کند و سپس از خوانندگان می‌خواهد که آنچه را که وی کرده است برای همه آشکار کنند و کتیبه او را محفوظ دارند. در پایان، شش همکار خود را نام می‌برد که در غلبه بر بردیای غاصب او را یاری کرده‌اند و از شاهان آینده می‌خواهد که آنان و خانواده‌شان را حمایت کنند (تفضلی، ۱۳۸۹: ۲۹ و ۳۰). کتیبه داریوش در شوش (DSf) درباره ساختمان کاخ شوش آگاهی‌های بسیار جالبی دارد و نشان می‌دهد که هر یک از مصالح کاخ از چه سرزمینی آورده شده و چه هنرمندانی در ساختن آن شرکت داشته‌اند. مهم‌تر از همه دقتی است که شاهان این خاندان در تلفیق هنر ملت‌های مختلف پادشاهی خود اعمال کرده‌اند و امر بنای ساختمان را از مصادیق روشن آبادانی کشور می‌دانسته‌اند (راشد محصل، ۱۳۹۰: ۵۴).

کتیبه مهم دیگری که مطالب تازه‌ای دارد، کتیبه‌ای است از خشایارشا «xph» که به «کتیبه دیوان» شهرت دارد و خشایارشا در آن از ویران کردن پرستشگاه دیوان و رواج پرستش اورمزد و آرتی سخن به میان آورده است (همان، ۱۳۹۰: ۴۹ و ۵۰). در لوح‌های دیوانی به دست آمده از تخت جمشید

کوروش در منشور خود که به شکل استوانه‌ای از خاک رس «بشکه کوچک» است، در بند ۸ آن می‌گوید: «زمانی که به صلح وارد بابل شدم و زمانی که، در میان سرور و شادی تخت فرمانروایی را در کاخ شاهزادگان برقرار کردم؛ آنگاه مردوک خدای بزرگ، قلب بزرگ بابلیان را مسخر من کرد»

راه، چاپارخانه‌ها [منزل‌ها] قرار دارد که هر کدام به سهم خود با آبادی‌های اطرافشان پیوندی اقتصادی دارند. ترتیب قرار گرفتن چاپارخانه‌ها را می‌توان به کمک لوح‌ها به خوبی معین کرد (کخ، ۱۳۸۸: ۸۴-۸۳).

در نگاره‌های جبهه شرقی آپادانه، یعنی همان نمای اصلی و نخستین تالار بار تخت جمشید، پشت سر شاه بر تخت جمشید، سربازان گارد نیزه‌دار در سه ردیف روی هم قرار گرفته، ایستاده‌اند. این سربازان تقریباً ۱۰۰ نفر، به نمایندگی ۱۰۰۰۰ سرباز به تصویر کشیده شده‌اند که «سپاه آماده باش» شاهنشاه ایران را تشکیل می‌داده‌اند. سربازان را از این روی «جاودان» می‌نامند که با مردن یا کشته شدن یکی، بی‌درنگ فرد دیگری به جای او قرار می‌گرفت، به این ترتیب تعداد



منشور کوروش

این گارد همواره ۱۰۰۰۰ نفر بوده است (همان، ۲۹۷).

بهترین سند تاریخی، کتیبه‌ای است که از داریوش در مقبره او در نقش رستم کنده شده است. ترجمه کتیبه علاوه بر تعیین حدود ایران اسلوب انشای آن زمان و عناوین القاب شاهان هخامنشی و بعضی نکات دیگر را که برای تاریخ مفید است، می‌رساند. در این کتیبه، داریوش می‌گوید: به فضل اهورامزدا این است، علاوه بر پارس ممالکی که در تصرف من است و حکومت من بر آن‌ها جاری است و به من باج می‌دهند و آنچه فرمان من است اجرا می‌کنند و در آن‌ها قانون من محفوظ است (پیرنیا، ۱۳۶۲: ۱۱۷). مادی، عیلامی، پارسی، آریایی (هروی)، باختری (بلخی)، سغدی، خوارزمی، امیرگی، سکاها، تیگر خودی (تیزخود)، بابلی، آشوری، عرب، مصری، ارمنی، کاپادوکیایی، لیدیایی، یونانی، سکاها، آن سوی

نام حدود ۴۰۰ آبادی ثبت شده است. اما تعیین محل آبادی‌ها تقریباً ممکن نیست. مثلاً شیراز در کنار مراکز بزرگی چون شوش، تخت جمشید و پاسارگاد، از همان زمان شهر با اهمیتی است. پس از شیراز نریه ایتشیه است، که می‌توان آن را نیریز امروزی در شرق استان پارس شناخت. تئوکا، که احتمالاً همان تئوکا بطلمیوس (جغرافیا، کتاب ۴، بند ۴) است، در **برازجان** امروزی، میان شیراز و بوشهر قرار می‌گیرد و با شهر شاهی عیلامی **انزان** همان **تل ملیان** امروزی است که در محدوده ۵۰ کیلومتری شمال تخت جمشید قرار دارد. مسیر جاده پستی میان تخت جمشید و شوش برای بازیابی محل تقریبی آبادی‌های نام برده در لوح‌ها کمک شایانی است. این راه‌ها مانند شاه‌رگی، پارس را به ایلامتیش وصل می‌کند، در کنار این

در کتیبه بیستون پس از شمارش کشورها، داریوش به ذکر وقایعی که در آغاز دوره سلطنت وی افتاد افتاده است، می پردازد و از بردای غاصب و شورش‌هایی که در نواحی گونگون اتفاق افتاده و عاملین آن‌ها یاد می‌کند کتیبه داریوش در شوش (DSf) درباره ساختمان کاخ شوش آگاهی‌های بسیار جالبی دارد و نشان می‌دهد که هر یک از مصالح کاخ از چه سرزمینی آورده شده و چه هنرمندانی در ساختن آن شرکت داشته‌اند

دریایی، تراکیایی، یونانی آسپید و فوری، لیبیایی، حبشی، مکی، کاری» (لوکوک، ۱۳۸۲: ۲۶۲).
با ظهور دولت داریوش قلمرویی بسیار وسیع تحت فرمان واحد در آمد که این وحدت سابقه نداشت. این دولت بزرگ یگانه، ظرف پنجاه سال در زمان کوروش و کمبوجیه و داریوش به وجود آمد و سبب تغییرات و تحولاتی شد. تمدن قدیم دو هزار ساله سامی به پایان آمد، سه دولت کوچک مادی، لیدیایی و بابل جدید یا کلدانی منقرض گشت، مصر از سیادت افتاد، در یهودیه، سلطنت آل داوود، مبدل به تفرقه ملت یهود گشت، و دولت هخامنشی، هند را با حبشه و سواحل مدیترانه متصل ساخت. وقایع‌نگاری خاموش بابل برانگیخته شد تا آن دوره را «دوره تغییرات بزرگ» بنامد و در جمله‌ای دیگر، این زمان را «پایان مرگ زمین» نامیدند که معنای آن فوق تصور ماست (لمب، ۱۳۸۶: ۳۶۱). بیشترین منابع تاریخی دوران هخامنشیان را داریوش به جا گذاشته است. گویی به نحوی مرموز رشته‌های تاریخ جهان در زمان باستان از زردشت و کوروش گذشته و به داریوش رسیده است. داریوش این رشته‌ها را برمی‌چیند، جمع می‌کند و نظم می‌دهد، سپس آن‌ها را چنان برای آینده باقی می‌گذارد که همه آنچه بعداً روی می‌دهد بیانگر قدرت شکل‌دهنده اوست. داریوش تصویر ایران را برای قرن‌ها پابرجا ساخت (هینتس، ۱۳۸۰: ۱۴).

نتیجه

کتیبه‌ها که منابع دست اول دوره هخامنشی به شمار می‌روند در زمان حیات پادشاهان هخامنشی نوشته شده‌اند و هیچ دخل و تصرفی در آن‌ها صورت نگرفته است. از بررسی کتیبه‌های فارسی باستان در فارس، شوش، الوند، همدان و... فرهنگ و آداب و رسوم و شیوه زیستن در زمان ایران باستان و ریشه و تمدن و فرهنگ را که روزگاری مجلل بوده‌اند می‌بینیم. لوح‌های یافت شده در تخت جمشید نیز به بسیاری از پرسش‌های ما در زمینه‌های شیوه مملکت‌داری پادشاهان، وضع زندگی اجتماعی مردم، میزان دستمزدها و پایگاه‌های اجتماعی زنان، کودکان و میزان اختیارات خاصان درباری و مانند آن پاسخ می‌گویند و بر مبنای آن‌ها می‌توان دورنمایی نسبتاً درست و مطمئن از ایران در دوره هخامنشیان ترسیم کرد. آنان به همه کارهای کشور از جمله چاپارخانه‌ها، سپاهیان منظم و جاویدان، رسیدگی به زندگی کارکنان و کارگران و

نظارت کامل بر رفتار دیوانیان توجه خاص داشتند. توجه به زنان و کودکان در دوره هخامنشیان، از ویژگی چشمگیر و شایان توجه حکومت است. زنان در پیگیره اجتماع نقش بارز و برابر مردان دارند و برای اینکه قادر باشند فرزندان نیک پرورش دهند، در دوره بارداری و زایمان بی‌آنکه به کار اشتغال داشته باشند حقوق دریافت می‌کنند. کوشش در امر کشاورزی، ایجاد باغ‌ها و درختستان‌های بزرگ، حمایت از کشاورزان و یاری کردن در باروری زمین و کاشت و برداشت محصول و قراردادهای عادلانه برای زمین‌های کشاورزی و کندن کاریزها و آب‌دهی آن‌ها که موجب آبادانی کشور می‌شود، از وظیفه‌های اساسی حکومت به شمار می‌رود.

منابع

۱. ارانسکی، یوسف میخائیلوویچ؛ زبان‌های ایرانی، ترجمه علی‌اشرف صادقی، تهران: نشر سخن، ۱۳۷۸.
۲. باقری، مه‌ری؛ تاریخ زبان فارسی، تهران: نشر قطره، ۱۳۹۱.
۳. بروسیوس، ماریا؛ شاهنشاهی هخامنشی از کوروش بزرگ تا اردشیر اول، ترجمه هاید مشایخ، تهران: نشر ماهی، ۱۳۸۶.
۴. بروسیوس، ماریا؛ ایران باستان (هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان)، ترجمه عیسی عبدی، تهران: نشر ماهی، ۱۳۸۶.
۵. پیرنیا، حسن؛ تاریخ باستانی ایران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
۶. تفضلی، احمد؛ تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش زاله آموزگار، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۹.
۷. جاماسب، جی، منوچهر؛ متن‌های پهلوی، پژوهش سعید عریان، تهران: نشر علمی، ۱۳۹۱.
۸. راشد محصل، محمدتقی؛ کتیبه‌های ایران باستان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۰.
۹. سامی، علی؛ تمدن هخامنشیان، جلد دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۹.
۱۰. سایکس، سرپرسی؛ تاریخ ایران، ج ۱، ترجمه سیدمحمد فخر داعی گیلانی، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
۱۱. فرشاد مهر، ناهید؛ کوروش هخامنشی بنیان‌گذار ایران پهناور، تهران: نشر محمد(ص)، ۱۳۸۵.
۱۲. کخ، هاید ماری؛ از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، تهران: نشر کارنگ، ۱۳۸۶.
۱۳. کنت، رولاندگ؛ فارسی باستان: دستور زبان، متون، واژه‌نامه، ترجمه و تحقیق سعید عریان، تهران: پژوهشکده زبان و گویش با همکاری اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۸۴.
۱۴. گرشویچ، ایلیا؛ تاریخ ایران دوره هخامنشیان، از مجموعه تاریخ ایران کمبریج، ج ۲، ترجمه مرتضی ثاقب‌فرو، تهران: انتشارات گلشن، ۱۳۷۸.
۱۵. گیرشمن، رومن؛ ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: انتشارات معین، ۱۳۸۸.
۱۶. گویری، سوزان؛ زبان و خط اوستایی (دین دبیری)، تهران: گلشن، ۱۳۸۸.
۱۷. لوکوک، پی‌یر؛ کتیبه‌های هخامنشی، ترجمه نازیلا خلخالی، زیر نظر زاله آموزگار، تهران: نشر پژوهش فروزان، ۱۳۸۲.
۱۸. مرادی غیاث‌آبادی، رضا؛ فرهنگ‌نامه ایران باستان، تهران: رضا مرادآبادی و پژوهش‌های ایرانی، ۱۳۹۱.
۱۹. مولایی، جنگیز؛ راهنمای زبان فارسی باستان (دستور زبان، گزیده متون، واژه‌نامه)، تهران: نشر مهرنامک، ۱۳۸۴.